

## پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

### «تجدید حیات نهضت ادبی ایران»

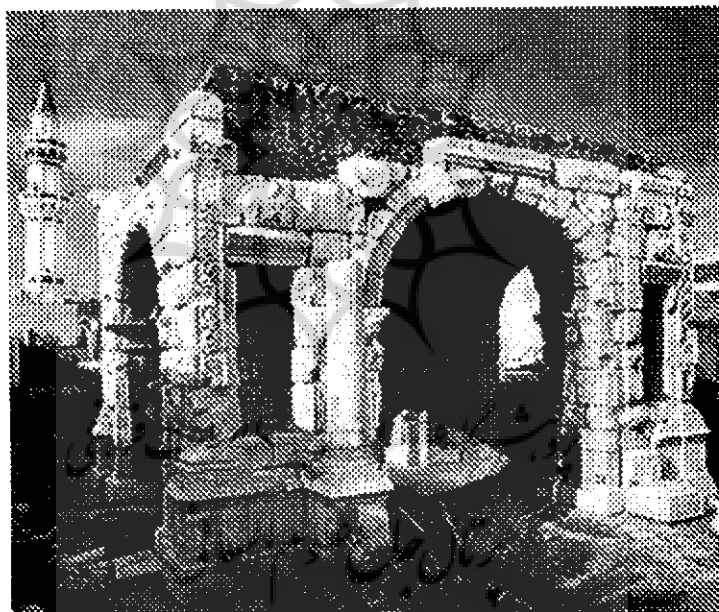
بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

ادامه از شماره گذشته

محمد، طرح قتال ریختند؟ و فرزندان «انوشکین طشت‌دار» که در خوارزم بر خداوندان خویش قیام کردند و از آن میان اتسز با سنجر پیمان‌شکنی‌ها کرد. و ما حاصل کلام آن‌که تغلب غلامان و غلام‌زادگان در عهد سلجوقیان به شدیدترین مراحل رسید و بسیاری از آشفته‌گی‌های عهد سلاجقه نتیجه‌ی تسلط و غلبه و عصیان آنان بود.»

از غلامان ترک که در این عهد خریداری می‌شدند به صورت‌های مختلف استفاده می‌شد. دسته‌یی از آنان بازیچه‌ی شهوات امرای این عهد بودند. و رفتار بعضی از سلاطین با این بیچارگان بسیار

هرگونه تغییرات ظاهری زشت و زیبا در غلامان، تأثیری مستقیم در ارزش پولی و قیمت آنان می‌گذاشت.



وفات ملک‌شاه و نظام‌الملک در ممالک آن طایفه به دعوی سلطنت برخاستند، از همین غلامان یا فرزندان آنان بوده‌اند و از آن جمله‌اند: «آثر» بنده ملک‌شاه که از آن سلطان نیکویی‌ها دیده بود و در فتنه میان محمود و برکیارق دخالت‌ها داشت و با برکیارق غدرها اندیشید؟ و «صدقه» و «ایاز» بنده زادگان بر کیارق که بعد از او با سلطان

«در دوره سلاجقه نیز عدد غلامان سلطانی فراوان بود و حتی بعضی از وزیران چندان غلام داشتند که از اجتماع آنان یک قدرت جنگی به وجود می‌آمد. مانند «غلامان نظامی» یعنی غلامان نظام‌الملک طوسی که حتی بعد از مرگ صاحب خویش قدرت خود را از دست ندادند و همین غلامانند که بر کیارق را هنگام فرار از اصفهان حمایت کردند و او را که در حیات نظام‌الملک مورد حمایت آن وزیر مقتدر بود به پیروی از همان سیاست در برابر محمودبن ملک‌شاه تقویت نمودند و از اصفهان به ساوه و آوه نزد اتابک «گمشکین جاندار» که

اتابک بر کیارق بود، بردند تا او را به ری برد و بر تخت سلطنت نشاند.»

«در دوره سلجوقیان عصیان و طغیان غلامان و نمک ناشناسی آنان نسبت به خداوندان خود امری عام بود و بسیاری از امرا و سرکشان دوره سلجوقی که بعد از

۱- راحة الصدور راوندی طبع لیدن، ۹۱۲۱، ص ۱۴۰.  
تاریخ دولة آل سلجوق تألیف عمادالدین محمدالاصفهانی  
اختصار فتح بن البنداری الاصفهانی، طبع مصر سال ۱۹۰۰  
میلادی، ص ۷۶.

نزدیک به تمام این غلامان ترک پس از مرگ ارباباب خود وقتی به مقامات دولتی و اجرایی و اداری دست می‌یافتند، امان از مردم بی‌چاره می‌بریدند و آتشی خانمان‌سوز می‌افروختند.

۳- ایضاً ص ۱۵۳-۱۵۴

۴- قابوسنامه تصحیح مرحوم هدایت ص ۲۹

۲- راحة الصدور چاپ لیدن ص ۱۴۱-۱۴۵



اگر ترس از احکام اسلام و تعلیمات عالی‌یهی اسلام نبود، شاید در این اوضاع و احوال بحرانی هیچ انسانی امنیت نداشت.

وحشیانه بود. از عادات سنجر آن بود که غلامی را از غلامان برمی‌گزید و به او عشق می‌ورزید و مال و جان فدای او میکرد و غبوق و صبوح با وی می‌پیمود و حکم و سلطنت خود را در دست او می‌نهاد. لیکن چندگاهی بعد که دیگر به کار او نمی‌آمد، به نحوی خاص او را از میان می‌برد. از جملهی آنان مملوکی به نام «سنقر» بود که سنجر پیش از دیدنش عاشق او شد و او را به ۱۲۰۰ دینار خرید و به مالکش هم خلعت و مال فراوان بخشید. و فرمان داد برای سنقر سرپرده‌یی چون سرپرده سلطان بزنند و هزار مملوک بخرند تا در رکاب او حرکت کنند و در درگاه او به سر برند و خزانه‌یی مانند خزانه‌ی سلطان برای او ترتیب کنند و ده هزار سوار به او اختصاص دهند. دو سال بعد سنجر جمیع امرا و رجال خود را فرمان داد که در اتاقی گرد آیند و هنگامی که او سنقر را به درون می‌خواند، با دشنه بر او حمله برند و پاره پاره‌اش کنند. امراء او نیز چنین کردند و آن بنده سیه روزگار را به دین نحو از میان بردند. نظیر این کار را با «قایماز کج کلاه» کرد و او نیز کارش به جایی کشیده بود که وزیر سلطان را به قتل آورد. و باز همین عمل

وحشیانه را با «اختیارالدین جواهرالتاجی»، که مملوک مادرش بود کرد.

شگفت است اگر گفته شود که با غلامان ترک در فرهنگ حکومت‌های مهاجمین زردپوست به ایران، به مانند حیوانات برخورد می‌شد.

سلطان به این غلام عشقی خاص یافته و سی هزار سپاه به وی اختصاص داده بود و بعد از چندی دسیسه‌یی ترتیب داد تا او را در دهلیز بارگاهش از پای در آورند. می‌گویند آن وقت که جوهر را با کارد میزدند و فریاد او برآمده بود، سنجر در حرم‌سرای خود بود و چون آواز او را شنید گفت: بیچاره جوهر را میکشند!۵

«همچنان که دیده‌ایم بعضی از این مملوکان در روزگار خوشبختی خود، سرپرده و سپاه داشتند. وای بسا که همین

بندگان که به زشت‌خویی عادت یافته بودند، بعدها به امارت (و حکومت) می‌رسیدند و بساط سلطنت می‌چیدند و بر گردن مردم سوار می‌شدند و بی‌دادها بر آنان روا می‌داشتند. بسیاری از علماء و دانشمندان مورد تحقیر این ملعبه‌های غلام‌بارگان ترک بودند و از آنان خفت‌ها و خواری‌ها می‌دیدند.<sup>۶</sup>»

«عشقبازی با ممالیک که بعضی از فقها به جواز آن فتوی داده بودند، در نزد شعرای این عهد نیز مانند عهد مقدم رایج بوده است.

بی‌داد و ستم پادشاهان و حکام مهاجم ترک و طرف‌داری آنان از بردگی و غلام‌بازگی، فرهنگ احترام به حقوق انسانی را از بین برده بود.

۷. ابضاً ص ۲۴۹

۸. طبقات الشافعیة سبکی ج ۳ ص ۱۸

۵. تاریخ دولة آل سلجوق چاپ مصر ص ۲۴۸ - ۲۵۱

۶. ابضاً ص ۲۴۹ - ۲۵۰



بسیاری از برده‌داران و مالکان  
غلامان ترک با تظاهر به مسلمانی و  
دین‌داری، اعمال خود را جایز  
می‌دانستند.

اما گفتار شاعران درباره آنان جلا و روشنی  
شاعران دوره پیشین را ندارد، زیرا اولاً  
گروهی از شاعران این عهد متمسک به  
شعائر دینی بوده‌اند و گروهی دیگر، شاید از  
باب تسلط ترکان، به این کار چندان تجاهر  
نمی‌کردند. با این حال در اشعار این عهد  
می‌توان نمونه‌هایی از معاشقات شاعران را با  
بندگان یافت مانند این ابیات از امیرالشعراء  
معزی:

✓ روی آن ترک جهان آرای، ماه روشنست  
زلف او در تیره شب، بر ماه روشن، جوشست...  
✓ سنگ بر دل بندم، اندر عشق آن زرین کمر  
ز آنکه همواره بزییر سنگ او دست منست  
✓ او ز من منت ندارد گر چه او را شاهوار  
طوق زرین هر شبی، از دست من در گردنست.  
\* \* \*

✓ مانند به صنوبر قد آن ترک سمن بر  
گر سوسن آزاد بود، بار صنوبر  
بگوش بر من، ای ترک زلف تافته سر  
مکن دلم زدو زلفین خویش تافته‌تر  
\* \* \*

از انوری:

✓ ساقی اندر خواب شد خیز ای غلام!  
باده اندر جام من ریز ای غلام!  
✓ با حریف جنس، در ساز ای پسرا  
در شراب روشن آویز ای غلام...!  
\* \* \*

✓ ای بت یغما دلم یغما مکن

شادی جان مرا شیدا مکن

از سنائی:

✓ ای کودک زیبا سلب، سیمین برو بیجاده لب  
سرمایه ناز و طرب، حوران ز رشک تابع

✓ بادا بر ایلاق آفرین، کاید چو توز آن حورعین  
فخرست بر ما چین و چین، از بهر تو ایلاق را

\* \* \*

✓ بر لفظتان که دارد چون شهد و شمع محفل

از نیش جنگجویی و ز نوش عذرخواهی

✓ با جام باده هر یک، در بزمگه سروشی

با دست و تیغ هر یک، در رزمگه سپاهی

✓ تا باده ده شماسید اندر میان مجلس

از باده توبه کردن نبود مگر گناهی

✓ از تیزی سنانتان، هر ساعت از سنائی

آهی همی بر آرد، جانی میان آهی

از خاقانی:

✓ خسروا! خاقانی عذرا سخن، هندوی تست

هندویی را ترک عذرا دادی، احسنت ای ملک

✓ او غلام داغ بر رخ عنبر درگاه تست

عنبری را دُر دریا دادی، احسنت ای ملک

✓ خادمش گردند خاتونان خرگاه فلک

تاورا خاتون یغما دادی، احسنت ای ملک

\* \* \*

«گذشته از این شهرت بعضی از امرای  
ترک یا غلامانی که به مقامات بلند رسیده  
بودند، باعث شد که معانی نام‌های آنان  
مضامینی در شعر فارسی ایجاد کند. چنان  
که در این دو بیت از خاقانی ملاحظه  
می‌کنیم:»

✓ بر قراخان شب و آقسنقر روز از شرف

در طغانشاهیش طغرا داد، احسنت ای ملک

\* \* \*

✓ قراسنقر آنکه که نصرت پذیرد

بر آقسنقر آثار خذلان نماید

غلام‌هایی که مورد خرید و فروش

قرار می‌گرفتند به گروه‌های فراوانی

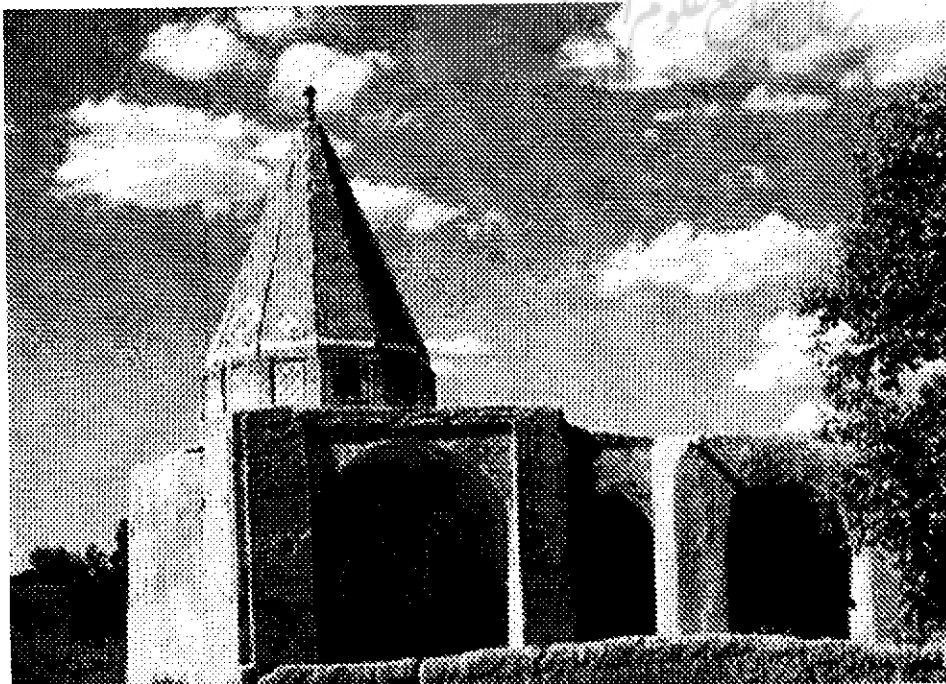
از نظر ویژگی‌های اخلاقی، روانی و

جسمی تقسیم می‌شدند.

«و مراد از قراسنقر در اینجا شب و مقصود از

آقسنقر روز است.»

«برای خریدن برده و بنده رسم و آیینی





مشخصات هر گروه از غلامان ترک در انجام وظایفی چون جنگاوری، کارگری، کشاورزی، مجلس آرای، خدمت در سرای زنان حرم‌سرا، مطربی، حاجبی، معاشرت، لهو و لعب و غیره متفاوت بود.

خاص بود که بدان اهمیت وافر داده میشد. چه آدمی خریدن علمی بسیار دشوار بود و «برده خریدن و علم آن از جمله‌ی فیلسوفی» شمرده می‌شد. عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندربن شمس‌المعالی قابوس در این باره فصلی مشبع دارد و در آن برای هر دسته از غلامان علایم و شرایطی ذکر کرده و انواع غلامان و عادات آنان را و شرایط خریدن غلام را به تمامی آورده است<sup>۱</sup>.

«شرط اصلی غلام آن بود که خوب‌روی باشد و می‌بایست که نخست چشم و ابروی او و آن‌گاه بینی و لب و دندان و موی وی را به‌دقت نگرست تا نیکو چشم و ملیح بینی باشد و در لب و دندان او خلوت و در پوست او طراوتی باشد. علاوه بر این بعضی به فربهی و لاغرئی تن و اطراف بندگان نیز می‌نگریستند و به هر حال همه‌ی اعضاء و همه‌ی اندام بنده را واری می‌کردند تا علامتی را که برای هر دسته از بندگان معلوم شده در او بیابند. زیرا هر دسته از غلامان

۹ و ۱۰. قابوسنامه تصحیح مرحوم رضا فلیخان هدایت ص ۱۰۰

علایمی خاص داشتند که خریدار مطلع و متخصص می‌بایست آن‌ها را ملحوظ دارد. مثلاً غلامانی که برای «علم آموختن و کدخدایی فرمودن چون کتابتی و خازنی» خریداری می‌شدند، می‌بایست راست قامت و معتدل گوشت و معتدل رنگ و گشاده میان انگشتان و پهن کف و پهن پیشانی و شهلا چشم و گشاده ابرو و خنده‌ناک باشند. و آن که برای ملاحی می‌خریدند می‌بایست نرم گوشت و کم گوشت، نه فربه و نه لاغر و باریک انگشت باشد. و آن که برای جنگاوری می‌خریدند بایست سطر موی و تمام بالا و راست قامت و قوی ترکیب و سخت گوشت و سطر استخوان و سخت مفاصل و کشیده عروق و رگ و پی بر تن او پیدا و انگیخته و سطر انگشت و پهن کف و فراخ سینه و کتف و سطر گردن و گرد سر و پهن شکم و برجیده سُرین و کشیده روی و سرخ چشم باشد. شرط مهم دیگر غلام آن بود که بیمار یا در مظان بیماری نباشد و برای آن که ازین حیث اطمینان حاصل شود غلام را به دقت معاینه می‌کردند. ادامه دارد.

### کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

- ۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
- ۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
- ۳- تاریخ جهان‌گشای جوینی
- ۴- تاریخ طبرستان
- ۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
- ۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری
- ۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵
- ۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد
- ۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین

- ۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض
- ۱۱- معجم البلدان - چاپ لایبزیگ - کتابخانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۲- راحه الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتابخانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی
- ۱۴- مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸
- ۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیرآوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳
- ۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گرانوسکی، دانداماویو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران
- ۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرنت واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸
- ۱۸- مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی
- ۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگلوسکایا، یاکوبوسکی، بطروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴
- ۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱
- ۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور
- ۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱
- ۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷
- ۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لوبون - ترجمه‌ی حضارة العرب - انتشارات اسلامیه - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴
- ۲۵- ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹
- ۲۶- سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹



مشخصات هر گروه از غلامان ترک در انجام وظایفی چون جنگاوری، کارگری، کشاورزی، مجلس آرای، خدمت در سرای زنان حرم‌سرا، مطربی، حاجبی، معاشرت، لهو و لعب و غیره متفاوت بود.

خاص بود که بدان اهمیت وافر داده میشد. چه آدمی خریدن علمی بسیار دشوار بود و «برده خریدن و علم آن از جمله‌ی فیلسوفی» شمرده می‌شد. عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندربن شمس‌المعالی قابوس در این باره فصلی مشبع دارد و در آن برای هر دسته از غلامان علایم و شرایطی ذکر کرده و انواع غلامان و عادات آنان را و شرایط خریدن غلام را به تمامی آورده است<sup>۱</sup>.

شرط اصلی غلام آن بود که خوب‌روی باشد و می‌بایست که نخست چشم و ابروی او و آن‌گاه بینی و لب و دندان و موی وی را به‌دقت نگرست تا نیکو چشم و ملیح بینی باشد و در لب و دندان او خلوت و در پوست او طراوتی باشد. علاوه بر این بعضی به فریبی و لاغری تن و اطراف بندگان نیز می‌نگریستند و به هر حال همه‌ی اعضاء و همه‌ی اندام بنده را واری می‌کردند تا علامتی را که برای هر دسته از بندگان معلوم شده در او بیابند. زیرا هر دسته از غلامان

۹ و ۱۰. قابوسنامه تصحیح مرحوم رضا فلیخان هدایت ص ۱۰۰

علایمی خاص داشتند که خریدار مطلع و متخصص می‌بایست آن‌ها را ملحوظ دارد. مثلاً غلامانی که برای «علم آموختن و کدخدایی فرمودن چون کتابتی و خازنی» خریداری می‌شدند، می‌بایست راست قامت و معتدل گوشت و معتدل رنگ و گشاده میان انگشتان و پهن کف و پهن پیشانی و شهلا چشم و گشاده ابرو و خنده‌ناک باشند. و آن که برای ملاحی می‌خریدند می‌بایست نرم گوشت و کم گوشت، نه فربه و نه لاغر و باریک انگشت باشد. و آن که برای جنگاوری می‌خریدند بایست سطر موی و تمام بالا و راست قامت و قوی ترکیب و سخت گوشت و سطر استخوان و سخت مفاصل و کشیده عروق و رگ و پی بر تن او پیدا و انگیخته و سطر انگشت و پهن کف و فراخ سینه و کتف و سطر گردن و گرد سر و پهن شکم و برجیده شَرین و کشیده روی و سرخ چشم باشد. شرط مهم دیگر غلام آن بود که بیمار یا در مظان بیماری نباشد و برای آن که ازین حیث اطمینان حاصل شود غلام را به دقت معاینه می‌کردند. ادامه دارد.

### کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

- ۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
- ۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
- ۳- تاریخ جهان‌گشای جوینی
- ۴- تاریخ طبرستان
- ۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
- ۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری
- ۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵
- ۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد
- ۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین

- ۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض
- ۱۱- معجم البلدان - چاپ لایبزیگ - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۲- راحه الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی
- ۱۴- مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸
- ۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳
- ۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گرانوسکی، دانداماو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران
- ۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرنت واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸
- ۱۸- مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی
- ۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگلوسکایا، یاکوبوسکی، بطروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴
- ۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱
- ۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور
- ۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱
- ۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷
- ۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لوبون - ترجمه‌ی حضارة العرب - انتشارات اسلامیه - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴
- ۲۵- ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹
- ۲۶- سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹